

## بررسی نقش عوامل خانوادگی بر بزهکاری جوانان و راه‌کارهای پیشنهادی

### پریسا ایزدی خالق آبادی

دانشجوی کارشناسی، رشته آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، ایران

#### چکیده

بزهکاری اطفال و نوجوانان، دغدغه‌ای است که همواره نظام‌های کیفری و رفاهی کشورها را با مشکل روبه‌رو کرده است و عوامل متعددی در بروز آن مؤثر است. بزهکاری اطفال عبارت است از: ترک انجام وظیفه قانونی و ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد. یکی از ریشه‌های این پدیده را باید در عامل اقتصادی جستجو کرد، بدیهی است که در صورت عدم توانایی مالی، تربیت و پرورش کودکان دچار خدشه و اختلال گشته و موجبات بزهکاری آن‌ها فراهم خواهد آمد. درآمد ناکافی، بیکاری، عدم تکاپوی درآمد خانواده جهت تأمین احتیاجات، و مسائل و مشکلات ناشی از کمبودهای مادی از جمله موضوعاتی است که همیشه در رابطه با بزهکاری مطرح و در آمارها نشان داده شده است. علاوه بر فقر، ثروت بیش از حد نیز می‌تواند عامل مؤثری در بزهکاری اطفال باشد، در کل نتایج این مطالعه نشان داد که عواملی خانوادگی از جمله شغل پدر، تحصیلات والدین، در قید حیات بودن پدر، طلاق والدین، درگیری و اختلاف خانوادگی، رفتار نادرست والدین، شیوه فرزند پروری و ترتیب تولد بر بزهکاری کودکان و نوجوانان مؤثر می‌باشد. همچنین در عوامل اجتماعی - اقتصادی متغیرهای محل سکونت، نوع منزل مسکونی، بزهکار، هم‌نشینی با دوستان بزهکار، سابقه محکومیت کیفری در خانواده، نظارت والدین و جامعه بر کودک، امر به معروف و نهی از منکر بر بزهکاری کودکان و نوجوانان مؤثر می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** عوامل خانوادگی، نوجوانان بزهکار، نقش خانواده

**۱- مقدمه**

از جمله مسائل همیشگی و مطرح نزد اندیشمندان و بالأخص حقوقدانان و جرم شناسان، موضوع بزهکاری اطفال و نحوه مقابله با آن و شیوه‌های انحراف و کجروی آن‌ها در جامعه می‌باشد. بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود. تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود. بزهکاری به معنای تعدادی متغیر از اعمال ارتكابی علیه احکام قانونی که می‌تواند ماهیت‌های مختلفی داشته باشد، وجه مشترک تمام جوامع انسانی است. اقدام به عملی که خلاف موازین، مقررات، قوانین و معیارهای فرهنگی هر جامعه باشد، در آن جامعه بزهکاری یا جرم تلقی می‌شود و کسانی که مرتکب چنین اعمالی می‌گردند، مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند.[2] امروزه توسعه زندگی شهری، صنعتی، مهاجرت از نقاط مختلف به کلان شهرها و مراکز استان‌ها، افزایش حاشیه نشینی، بیکاری، فقر، جوان بودن جمعیت کشور و... بستر مناسبی را برای ابتلا به انواع آسیب و انحراف اجتماعی، به ویژه برای نسل جوان جامعه، فراهم کرده است. بدون تردید توسعه و پیشرفت جوامع تا حد زیادی به نیروی انسانی سالم، متعهد، متخصص و جوان در آن جوامع بستگی دارد؛ اما یکی از عواملی که در نابودی نیروی انسانی، به ویژه جمعیت جوان و فعال جوامع سهم بسزایی دارد، پدیده بزهکاری نسل جوان است. اطفال و نوجوانان بزهکار، فرصتهای جبران ناپذیری را از حیث تحصیل صیل و اشتغال از دست می‌دهند که این امر به سهم خود آثار و عواقب ناخوشایندی را برای زندگی آتی آنان به دنبال دارد. پدیده بزهکاری اطفال و به دنبال آنان نوجوانان باعث تباهی بسیاری از فرزندان و آینده سازان جامعه می‌شود، هزینه های کلان و گزافی را بر جامعه تحمیل می‌کند، جامعه را از داشتن نیروی انسانی کارآمد، متخصص و متعهد محروم می‌سازد، امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد و بالاخره مشروعیت نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را زیر سؤال می‌برد. بنابراین، بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی است که جامعه ما را به طور جدی تهدید می‌کند[4].

**۱-۱- بیان مسئله**

تحقیقات و پژوهش‌های علمی جدید پیرامون مسئله بزهکاری ثابت کرده است که عامل اصلی در ارتكاب بزهکاری جامعه است. یعنی در جامعه افراد را به طرف انحراف و کجروی سوق می‌دهد. این وظیفه مهم در جامعه است که امکان اصلاح را برای افراد خاصی فراهم می‌آورد. برای درمان و پیشگیری پدیده بزهکاری باید درصد شناخت عواملی که باعث فساد محیط اجتماعی گشته و محیطی مناسب برای پروردن افراد بزهکار فراهم آورده برآمد و با شناخت آن عوامل و پیدا کردن ریشه‌های آن سعی در خشکاندن آن ریشه‌ها برآمد.[1] یعنی با توجه به افزایش تعداد و بزهکاران هر روز بر تعداد کانون‌ها بیفزائیم. بعلاوه به فرض اینکه امکان چنین کاری هم باشد آیا عاقلانه تر نیست که این هزینه و نیروی انسانی کشور عزیزمان را که باید صرف درمان بزهکاران شود در اموری مربوط به پیشگیری این امر اختصاص دهیم؟ چه با این کار ما کودکان، نوجوانان و جوانان را از مسیر انحرافی به دور داشته و وار کانال‌هایی کنیم که خود عوامل سازنده این برای جامعه خود باشند.

**۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق**

این تحقیق از این جهت ضرورت دارد که پدیده بزهکاری اطفال و اتی آنان به دنبال نوجوانان باعث تباهی بسیاری از فرزندان و آینده سازان جامعه می‌شود، هزینه‌های کلان و گزافی را بر جامعه تحمیل می‌کند، جامعه را از داشتن نیروی انسانی کارآمد، متخصص و متعهد محروم می‌سازد، امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد و بالاخره مشروعیت نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را زیر سؤال می‌برد. بنابراین، بزهکاری اطفال و نوجوانان یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی است که جامعه ما را به طور جدی تهدید می‌کند.

اهداف پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش عوامل خانوادگی و ویژگی های جمعیت شناختی (از جمله ترتیب تولد، نحوه ارتباط والدین با هم و نحوه رفتار آن‌ها با فرزندان، میزان تحصیلات و شغل والدین، تعداد اعضای خانواده، از دست دادن و یا عدم حضور والدین در خانواده، وضعیت مالی و جو خانواده در دوران کودکی و تبعیض گذاری بین فرزندان) در بروز بزهکاری نوجوانان انجام شده است.

### ۱-۲-۱- سوالات پژوهش

- ۱- آیا جدایی پدر و مادر و بزهکاری فرزند ارتباطی وجود داد؟
- ۲- یا شرایط اقتصادی یک خانواده زمینه ساز بزهکاری فرد خواهد شد؟
- ۳- آیا بین سطح تحصیلات و فرهنگ پدر مادر و بزهکاری فرزندشان ارتباطی وجود دارد؟
- ۴- آیا ارتباط صمیمی و با محبت خانواده از بزهکار شدن فرزند جلوگیری خواهد کرد؟
- ۵- آیا زیاد یا کم بودن جمعیت اعضای یک خانواده با بزهکاری یک فرد ارتباط داد؟

### ۱-۳- روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی بوده و روش جمع آوری اطلاعات بصورت مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

### ۲- مبانی پژوهش

#### ۱-۲- تعریف عملیاتی

- ۱- شرایط زیستی: وجود محرومیت ها و عدم استفاده از بعضی تغذیه ها باعث بروز حالات و خلق و خواهایی در افراد می گردد .
- ۲- عوامل عاطفی: اصولاً آنهایی که در کودکی از جهت امنیت، خرابانی و عواطف برخوردار شده اند و نسبت به آن‌ها ارضاء نشده اند ممکن است از ناسازگاری سر در آورند. عواملی مانند حسادت، انتقام، تعصب به عنوان ریشه‌های انحرافی می باشد [2]
- ۳- عوامل روانی: احساس گناه زمینه ساز بیقراری در کودکی است و او دست به کارهایی می زند تا خود را تبرئه کند. (کینه توزی، عقده و حقارت، نا آگاهی و محرومیت) [5] .
- ۴- شرایطی تربیتی: بزهکاری و انحراف به میزان بسیار زیاد ناشی از عدم تربیت صحیح خانواده ها نسبت به فرزندان است. نامناسب بودن محیط خانواده باعث ایجاد بی اعمادی در کودک می گردد. بعضی از عوامل عبارتند از: حمایت های بیش از حد، لوس کردنها، تحسین بیش از حد، کشمکش بین والدین شرایط اخلاقی خانواده
- ۵- علل انضباطی: گاهی انحرافات کودکان در مسائل انضباطی بیش از حد بروز می کند که مهمترین آن‌ها عبارتند از: والدین خشن؟ مریبان سختگیر، عصبانی شدن و کتک زدن کودکان، ضعف و عدم کنترل در محیط خانه
- ۶- علل اجتماعی: اجتماعی و محیطی که فرد در آن زندگی می کند و با گروهی که برخورد دارد نقش اساسی در تربیت ویدارند. بعضی از عوامل اجتماعی موثر در بزهکاری عبارتند از: خانواده های نابسامان، احتیاط و انحراف، جدایی پدر و مادر از یکدیگر زندگی کودک در محیط منحرف، زندگی در محیط پر از جرم و فساد [7] .
- ۷- شرایط اقتصادی: در بسیاری از موارد فقرها، تنگدستی ها و محرومیت های اقتصادی سبب می شود که کودک ناسازگار شود.

۸- علل فرهنگی: برخی از عوامل فرهنگی در بزهکاری عبارتند از عدم آگاهی از وظایف و مسئولیت های برنامه های رادیو و تلویزیون و فیلم و سینما، ضرب المثل ها و آداب و رسوم های غلط [7] .

۹- وراثت: بزهکاری و جرم مانند یک ژن و وراثتی نیست که قابل انتقال و سرایت باشد. انحراف و خلافکاری های وی را دلیل بر ارثی بودن بدانیم که چون پدر و مادر چنین رفتارها یا کردارهای ناپسند داشته اند یا دارند. بنابراین فرزندان آن‌ها نیز به چنین

راهی کشیده می شوند و حالات و رفتار والدین را در خود آشکار می کنند و این حالت به به چنین راهی کشیده می شوند و حالات و رفتار والدین را در خود آشکار می کنند. این حالت به عنوان انتقال و وراثت نیست بلکه جنبه انتقال فرهنگی و اجتماعی دارد. منظور از وراثت این بسیاری از جنبه های اخلاقی و رفتار والدین که حالت و بی بند و بار است این خصلت به احتمال زیاد در فرزند هم وجود خواهد داشت [6].

رابطه طلاق و بزهکاری اطفال و نوجوانان: خانواده رکن اصلی و بنیادی هر جامعه، و همچنین مهمترین نهاد اجتماعی، است بطوریکه رشد و اعتلای جامعه، در گرو خانواده های پویا و سالم است. نهاد های اجتماعی دیگر هر کدام دارای کنش یا عملکرد خاصی هستند و خانواده نیز از این قاعده مستثنا نبوده و بدلیل اجتماعی بودن این نهاد، عملکرد آن برای جامعه اهمیت فراوانی دارد. اهمیت حفظ خانواده، در تمامی جوامع مورد تاکید است؛ و در جامعه اسلامی نیز با تاکید بر آموزه های دینی و توصیه بزرگان دین به پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی به حفظ کیان خانواده سفارش شده است. بتول سلیمی منش کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی در گفتگو با خبرنگار ایسنا منطقه اردبیل طلاق را یکی از عوامل گسیختگی و پاشیدگی کانون خانواده بیان کرد و گفت: زمانی که این پدیده اتفاق می افتد اثرات آن متوجه اجتماع، زوجین و فرزندان خواهد بود و مهمترین آسیب ها و حتی جبران ناپذیرترین آن ها متوجه کودکان و نوجوانان آن خانواده می باشد و با توجه به سن کودک، شرایط طلاق و عملکرد والدین پس از جدایی، تاثیر آن متفاوت خواهد بود. وی با اشاره به بررسی اثر طلاق، از سه بعد روانشناسی، جامعه شناسی و جرم شناسی خاطر نشان کرد: طبق تحقیقات روانشناسی در این حوزه، نوجوانان بزهکار از خانواده هایی هستند که طلاق باعث از هم گسیختگی زندگی آنان شده و اثراتی را بر روان کودک نهاده است و او را با اختلال هایی مواجه ساخته است. [6]

بطوریکه اختلال های اخلاقی و روانی که متوجه کودک است زمینه بروز جرایم را آسانتر می کند و موجب انحراف او در کودکی و زمینه ای برای ارتکاب جرایم در بزرگسالی خواهد شد. سلیمی منش با اشاره به دیدگاه جامعه شناسان در این زمینه می گوید، جامعه شناسان بر این تاکید دارند که طلاق والدین، یکی از مهمترین علل ارتکاب بزه از سوی اطفال و نوجوانان است معتقدند بدلیل اینکه اولین مراحل اجتماعی شدن کودکان در خانواده انجام می گیرد، در اثر کارکرد نامناسب، سیر طبیعی آن مورد آسیب قرار گرفته و منجر به عدم انطباق هنجارهای کودک با جامعه می شود. به گفته وی اثر نامطلوب طلاق بر دختران بیش از پسران است بدلیل اینکه دختران در خانواده مورد مراقبت و حمایت بیشتری قرار می گیرند و با متلاشی شدن خانواده، زمینه بروز انحراف و بزهکاری در دختران بیشتر خواهد بود. همچنین کودکان و نوجوانانی که طلاق را در خانواده تجربه کرده اند، در بزرگسالی در معرض این آسیب در روابط خود خواهند بود. [5] سلیمی منش به اشاره به دیدگاه جرم شناسی یادآور شد: در این خصوص نظراتی ارایه شده است که با تاکید بر عاملیت غیر مستقیم طلاق در بروز بزهکاری، خانواده های از هم گسیخته را در گروه خانواده های ناهنجار دانسته که افراد بزهکار را به جامعه تحویل می دهند و تحقیقات حاصله نیز بر این واقعیت صحه گذاشته اند. جرم شناسان معتقدند که با از هم پاشیدگی خانواده، تربیت و سازگاری اجتماعی کودکان و نوجوانان بدلیل عدم مراقبت های خانواده و کمبود محبت این کودکان، دچار اختلال میگردد و کودک یا نوجوان به سمت باندهای بزهکاری کشیده خواهند شد. وی با اشاره به نتیجه تحلیل های صورت گرفته، در خانواده هایی که با آسیب طلاق مواجه هستند، گفت: در این خانواده ها کودکان و نوجوانان بزهکار از سطح سواد کمتری برخوردار بوده و بعضا با ترک تحصیل در این حوزه مواجه میباشند. کارشناس ارشد جرم شناسی با اشاره به سیر صعودی طلاق در جامعه افزود: همانطوریکه که طلاق موجب عدم ثبات اجتماعی است، فرزندان طلاق نیز در معرض انواع ناهنجاریها و انحرافات قرار می گیرند و علاوه بر مواجهه با آسیب هایی همچون اعتیاد و کار کودکان، مرتکب جرایمی چون قاچاق مواد مخدر، ارتکاب روابط نامشروع، و در نرخ بالایی ضرب و جرح و سرقت خواهند شد [7].

## ۲-۲- پیشینه تحقیق

۱- یکه کار، شیرین؛ حسینی، سیداحمد (۱۳۸۷) شناخت عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری دختران نوجوان شهر تهران ۱۳۸۷-۱۳۸۶. دانشگاه آزاد رودهن.

هدف: پژوهش حاضر با هدف شناخت عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری دختران نوجوان شهر تهران ۱۳۸۷-۱۳۸۶ اجرا شده است.

بیان مسئله: با توجه به تأثیر ویژه خانواده در گرایش نوجوانان به بزهکاری از یک سو و اهمیت پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، در این پژوهش به بررسی نقش خانواده در این زمینه پرداخته‌ایم. عوامل مورد بررسی شامل دلبستگی والد-فرزندی، مراقبت و اعتماد، کنترل و نظارت والدینی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و وجود سابقه انحراف در خانواده است.

روش: این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) است. نمونه گروه بزهکار از میان دختران نوجوان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران به تعداد ۵۰ نفر و نمونه گروه غیربزهکار با کنترل متغیرهای جنس، سن و محل زندگی از میان دانش آموزان شهر تهران به تعداد ۵۰ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و روش آماری مورد استفاده آزمون خی دو است.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین دو گروه مورد بررسی از نظر میزان دلبستگی والد-فرزندی، کنترل و نظارت والدینی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و وجود سابقه انحراف در والدین تفاوت معنادار وجود دارد، اما در زمینه مراقبت و اعتماد والدینی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد.

۲- ساکی، ماندانا و همکاران (۱۳۸۸) بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی مؤثر بر بزهکاری در نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر خرم آباد. دانشگاه علوم پزشکی لرستان.

مقدمه: آسیب‌های اجتماعی از معضلاتی هستند که قطعاً مانع پیشرفت و توسعه اجتماعی و هرز رفتن نیروی فعال و جمعیت جوان کشور خواهند شد و عدم توجه به این انرژی خسارات جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. محیط خانواده نخستین مرکزی است که کودک استعدادها و توانمندی‌های خود را در آن محیط رشد و پرورش می‌دهد. کودکی که محیط خانواده برایش امن نباشد کمتر مقید اصول و قوانین اخلاقی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل خانوادگی و شخصیتی مؤثر بر بزهکاری در نوجوانان بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر خرم آباد انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: مطالعه حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیلی است. جامعه مورد مطالعه شامل کلیه نوجوانان مقیم در کانون اصلاح و تربیت شهر خرم آباد و دانش آموزان مشغول به تحصیل در دبیرستانهای پسرانه شهر خرم آباد می‌باشد. نمونه‌گیری در گروه مورد به روش سرشماری و در گروه شاهد به روش تصادفی خوشه‌ای انجام گرفت. جهت جمع‌آوری اطلاعات از یک پرسشنامه دو قسمتی شامل مشخصات دموگرافیک و پرسشنامه استاندارد SCL ۹۰ استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان داد بین سابقه مردودی، وضعیت اقتصادی خانواده، در قید حیات بودن والدین، شغل و تحصیلات پدر، شغل و تحصیلات مادر، ارتباطات بین فردی اعضای خانواده و والدین و وجود کشمکش، درگیری و تعارض در خانواده دوگروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد ویژگیهای عاطفی و شخصیتی واحدهای مورد پژوهش شامل پرخاشگری، اضطراب، افسردگی، اختلال خود بیمار انگاری، اختلال وسواسی جبری، اختلال هیستریک، اختلال سایکوتیک، پارانوئیدی و فوبیاد گروه مورد و شاهد تفاوت معنی‌داری وجود دارد

بحث و نتیجه‌گیری: با عنایت به این امر که محیط خانواده مهمترین عامل تربیتی کودک محسوب شده و هیچ یک از آسیبهای اجتماعی خارج از تأثیر خانواده پدید نیامده است، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند مگر آن که از خانواده سالمی برخوردار باشد.

۳- علومی یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳) تحلیلی بر عوامل مؤثر در شکل‌گیری نگرش‌های نوجوانان بزهکار. دانشگاه یزد. نشریه جغرافیا «تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۴ (علمی-پژوهشی)

در این مقاله، کوشش شده است استدلال گردد که نوزاد انسان در بدو تولد نه حقوقدان است و نه رفتار ضد اجتماعی دارد ولی هرگاه محیط خانوادگی و اجتماعی او ناسالم باشد، احساسها و شناخته‌های او نسبت به خود، دیگران و مقررات اجتماعی ناسالم خواهد شد. پردازش احساسها و شناخته‌ها را «تگرش» خوانده‌ایم و با اجرای دو طرح پژوهشی در استان یزد به این نتیجه رسیده‌ایم که بزهکاران نوجوان اکثراً قربانیان جهل خانوادگی و جبر محیط اجتماعی خود هستند، به طوری که می‌توان آنان را «بزه‌دیده» نامید. نظر به این که در همه کشورهای جهان به‌طور نسبی این بزه‌دیدگان کم‌سال وجود دارند، سازمان ملل متحد (یونیسف) اخیراً (در سال ۱۹۹۹) این افراد را در طرحی به نام «طرح حکمیت برای کودکان» مورد حمایت قرار داده است. در استانهای ایران می‌توان با اجرای صحیح اصل سی‌ام قانون اساسی و نظارت مداوم بر اجرای ماده ۷۷ «آیین‌نامه اجرایی مدارس» میزان بزهکاری کودکان و نوجوانان و گرایش بی‌رویه آنان به جرم‌های اجتماعی را کاهش داد.

۴- هاشمی نیا، فاطمه؛ خواجه نوری، بیژن (۱۳۸۶) رابطه اوقات فراغت و بزهکاری نمونه مورد مطالعه: دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز. دانشگاه شیراز.

بزهکاری نوجوانان از مسائل مهم در حوزه علوم اجتماعی محسوب می‌شود. همچنین، فعالیت‌های اوقات فراغت نوجوانان نیز از موضوعات مهمی هستند که متخصصین علوم اجتماعی و انسانی آنان را مورد مطالعه قرار می‌دهند. مطالعه حاضر به بررسی رابطه فعالیت‌های اوقات فراغت و بزهکاری در بین یک نمونه تصادفی شامل ۶۱۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستان‌های شهر شیراز پرداخته است. پرسش‌نامه تحقیق حاضر از شامل از دو مجموعه سؤالات در خصوص میزان گذران اوقات فراغت و فعالیت‌های بزهکارانه بوده است. پایایی گویه‌های گذران اوقات فراغت برابر با ۰/۸۳ و پایایی گویه‌های بزهکاری برابر با ۰/۸۸ بوده است. نتایج نشان داده است که بین فعالیت‌های اوقات فراغتی سازمان یافته و رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی وجود دارد اما بین فعالیت‌های فراغتی سازمان نیافته و بزهکاری رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از مدل رگرسیونی با چهار متغیر وقت تلف کردن، جنسیت، جامعه‌پذیری بدون نظارت و اوقات فراغت سازمان یافته بر روی هم ۲۳٪ تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین کرده است.

۵- زمانی، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۰) سنجش تاثیر عوامل خانوادگی بر بزهکاری نوجوانان در کانون اصلاح تربیت «مطالعه موردی شهر شیراز در سال ۱۳۸۹». همایش ملی آسیب شناسی مسائل جوانان

امروزه گسترش بزهکاری در جامعه ما از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است بطوریکه چنان رعب و وحشتی رادربین عموم به وجود آورده است که نظرمحقق را به خود جلب کرده از آنجا که کاهش تعهد وابستگی عاطفی به خانواده و رابطه با دوستان بهنجار و تضعیف باورها و عقاید دینی بزهکار را در جهت انجام به مصمم می‌کند بران شدید که در این تحقیق تاثیر عوامل خانوادگی بر بزهکاری نوجوانان را بسنجیم به دلیل محدودیت جامعه آماری این پژوهش به صورت تمام شمار در بین ۸۴ نفر از پسران کانون اصلاح و تربیت شیراز صورت پذیرفت چارچوب نظری این پژوهش از تلفیق دو نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و پیوند افتراقی ساترلند تشکیل شده است اعتبار پرسشنامه با بهره گرفتن از اعتبار صوری و پایایی آن با بهره گرفتن از الفای کرونباخ ارزیابی گردیده است و الفای کرونباخ کل ۷۸ درصد میب‌اشد به لحاظ روش شناسی تحقیق حاضر از نوع علی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که از بین عوامل مختلف خانوادگی میان دلبستگی به خانواده دوستان تعهد و کنترل مستقیم و غیرمستقیم و بزهکاری رابطه‌ای معناداری برقراری است و این عوامل می‌تواند بزهکاری را تبیین نماید.

۶- سادات مشکانی، زهرا (۱۳۷۸) آزمون تجربی نظریه التقاطی در بزهکاری کودکان و نوجوانان تهران بزرگ. دانشگاه علوم پزشکی تهران.

بزهکاری نوجوانان مسئله‌ای اجتماعی است که موجب ناراحتی و رنج خانواده‌ها و باعث مشکلاتی برای نهادهای اجتماعی و موسسات دولتی می‌گردد. به منظور پیشگیری از این رفتار نابهنجار، آگاهی کامل از علل بزهکاری ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله، به بررسی میدانی موضوع بزهکاری نوجوانان که به جرم بزهکاری در تهران بزرگ در سال ۱۳۷۱ دستگیر شده‌اند، پرداخته‌ایم. چارچوب نظری این بررسی، یک نظریه التقاطی است که از تلفیق دو نظریه کنترل اجتماعی هیرشی و پیوندهای

افتراقی ساترلند و کرسی به وجود آورده ایم تا در تعیین علتها، هم نیروهای درونی و هم نیروهای بیرونی موثر در بزهکاری را به حساب آوریم. از بین ۱۴۰ پسر و ۱۵ دختر زیر ۱۸ سال که در آن سال دستگیر شده بودند، با ۹۰ پسر و همه دختران مصاحبه سازمان یافته به عمل آوردیم و چهار متغیر مربوط به معرف اعمال بزهکارانه و ۸۱ متغیر مستقل را که شامل خصوصیات فردی، وضع زندگی و مهاجرت، نظام حمایتی خانواده، باورها و عملکردها، ارتباط با بزهکاران و سرگرمیها و گذران اوقات فراغت بودند، اندازه گیری کردیم. از روش آماری تحلیل عاملی برای تحویل داده ها به ابعادی کوچکتر استفاده کرده ایم. اجرای یک تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که تنها سه عامل بر شدت بزهکاری اثر دارند و می توانند آن را تبیین کنند. این سه عامل عبارت بودند از: "وابستگی نوجوانان به خانواده"، "باورها و نگرشها" و "ارتباط با بزهکاران". یافته های بررسی، فرضیه پژوهش را مبنی بر اینکه کنترل اجتماعی و پیوندهای افتراقی با بزهکاران به تنهایی یا به طور توأم بر بزهکاری نوجوانان اثر دارند را تایید کرد.

۷- Frank D. Mann اثرات متقابل فرد و اجتماع در بزهکاری نوجوانان: هیجان خواهی، انحراف همسالان و نظارت والدین  
هیجان خواهی یک ویژگی شخصیتی است که رابطه تنگاتنگی با رفتار بزهکارانه در نوجوانان دارد. مطالعه حاضر به سنجش عوامل بافتی می پردازد که بر اساس فرضیات، این عامل خطر برای بزهکاری در نوجوانان را تقویت، تشدید یا تضعیف می کند. تفاوت های فردی در هیجان خواهی، انحراف همسالان، نظارت والدین و رفتارهای بزهکارانه ای (بر اساس گزارش خود فرد) در بین ۴۷۰ نوجوان مورد سنجش قرار گرفت. انحراف همسالان تا حدودی روی هیجان خواهی و نظارت والدین در نوجوانان تاثیر داشت. به علاوه شواهدی از اثر متقابل هیجان خواهی، نظارت والدین و انحراف همسالان به دست آمد، برای مثال بیشترین میزان بزهکاری حاصل کنار هم جمع شدن هیجان خواهی و انحراف بالای همسالان و میزان کم نظارت والدین بود. نتایج بر اهمیت در نظر گرفتن فرآیندهای سطوح همسالان و خانواده در هنگام ارزیابی خطر شخصیتی و رفتار مشکل دار نوجوانان تاکید دارند.

۸- Leonard A. Jason والدین و ارتباط بین جنایی مادر و بزهکاری نوجوانان

میزان بالای عدالت جنایی بزرگسالان در ایالات متحده منجر به پیامدهای ناخواسته بسیاری برای خانواده های مجرمین شده است. خانواده هایی که در سیستم عدالت کیفری قرار دارند، با سیستم رفاه فرزندان درگیر می شوند و نوجوانانی که در هر دو سیستم دخالت دارند (یعنی مشارکت سیستم دوگانه)، میزان بالاتر از بزهکاری را نشان می دهد. با این حال، کمبود تحقیق در مورد دخالت سیستم دوگانه و تأثیر آن بر جوانان وجود دارد. مطالعه فعلی داده های ملی و نماینده داده های طولی خانواده های درگیر در سیستم رفاه کودکان را بررسی می کند تا بررسی کند که آیا پیشگیری از عدالت جنایی مادران، افزایش در تخلفات جوانان را افزایش می دهد. یک مدل اکولوژیکی اثرات دخالت عدالت مادران را بیش از ریسک های تجمعی و همچنین بافر احتمالی نظارت والدین و نظم غیر خشونت آمیز در مورد مشارکت در سیستم مورد آزمایش قرار داد. نتایج نشان داد که جوانان درگیر در رفاه کودکان، در طول زمان، در مقایسه با عدالت مادران، میزان مشابهی از بزهکاری را نشان دادند. اگرچه جوانان با مشارکت عدالت مادران بیشتر نظارت والدین را گزارش دادند، سطح نظارت بیشتر برای جوانان بدون دخالت عدالت مادران بیشتر بود، که در حضور نظارت والدین در مقایسه با نظارت کم، کمترین میزان نقض را داشت. الگوی دیفرانسیل ارتباط بین نظارت والدین و بزهکاری جوانان در مورد خانواده های دوگانه، نشان می دهد که آن ها متمایز هستند و ممکن است پیامدهای مربوط به درمان را به منظور کاهش میزان بزهکاری از طریق آموزش والدین حمل کنند. این یافته ها اهمیت هماهنگی بین سازمان ها در اطراف سیاست و مداخلات را برای شناسایی این خانواده های پر خطر که در معرض خطر لغزش از طریق ترک مشارکت های متعدد قرار دارند، تاکید می کند.

### ۳- یافته های پژوهش

فقدان خانواده منسجم بروز بزه را بیش از پیش محتمل می سازد: سلیمی تاکید کرد طلاق تنهاترین عامل بزهکاری نیست بلکه عوامل اقتصادی و اجتماعی در بروز بزه موثر هستند ولی باید در نظر داشت که فقدان خانواده منسجم بروز بزه را بیش از پیش

محتمل میسازد. گفتنی است، امروزه روانشناسان برآنند که رشد کودکان در خانواده‌های پر تنشی که اختلاف والدین در آن به مشاجره، پرخاشگری و خشونت می انجامد کمتر از زندگی در خانواده‌های تک والدی خطرناک نیست و لذا در مواردی، طلاق چنانچه موجب قطع ارتباط عاطفی والدین با کودک نشده و کودک را از حمایت‌های مادی و عاطفی والدین حتی پس از جدایی محروم نسازد، جهت بازگرداندن آرامش به کودک یا نوجوان و خارج نمودن او از چرخه خشونت، چاره ساز خواهد بود [9].

آیا شرایط اقتصادی یک خانواده زمینه ساز بزهکاری فرزند خواهد شد؟ اقتصاد از عوامل کلی و عمومی است که در شکل گیری و وقوع بزهکاری تأثیر بسیار زیادی دارد. نوسانات و دگرگونی های اقتصادی سبب تحولات اجتماعی شده و طرق مختلف موجب بروز پدیده بزهکاری می شود. علل بارز آن پیشرفت اقتصاد صنعتی است که سبب افزایش بزهکاری گردیده است؛ رشد و توسعه اقتصاد صنعتی موجب شده است اقتصاد کشاورزی که در آن همبستگی عاطفی در بین اعضای خانواده وجود داشت و نوجوانان و جوانان تحت مراقبت و راهنمایی والدین در مزارع مشغول کار بودند از هم گسیخته گردد. و به دنبال کار به شهرهای بزرگ روی آورند. [6]

افراد از نقاط مختلف با آداب و رسوم متفاوت به شهرهای صنعتی مهاجرت کرده و در کارخانه ها و کارگاه ها مشغول کار شوند. پیوند دوستی، صفا و صمیمیت از بین برود؛ زندگی شهری و آسیب های آن و هزاران عامل دیگر آن‌ها را در مظان ارتکاب جرایم ولگردی، تکدی گری، اعتیاد، کلاشی و اخاذی و... قرار دهد. بحران های اقتصادی موجب می شود درآمد ها کاهش و بی کاری افزایش یابد و کارخانجات تعطیل و افراد از شغل خود اخراج شوند و بیکاری چنانچه امروز شاهد آن هستیم به معضل بزرگ اجتماعی تبدیل شود و در نتیجه عاملی برای وقوع بزهکاری. تأثیر اقتصاد در بزهکاری نسبی بوده و هر محیط و اجتماعی کم و بیش از تحولات اقتصادی تأثیر می پذیرد و این تأثیر با توجه به محیطهای مختلف اجتماعی متفاوت خواهد بود. عامل جغرافیایی حقوقدانان و جرم شناسان تأثیر محیط جغرافیایی و طبیعی را همچون آب و هوا، فصل های سال، منابع طبیعی و زمین را در اعمال و رفتار گروه های مختلف بزهکاران مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند [4].

آیا ارتباط صمیمی و با محبت خانواده از بزهکار شدن فرزند جلوگیری خواهد کرد؟ به نظر روانشناسان اگر شخصی در محیط خانواده از نظر رفع نیاز های اساسی جسمی و روانی مانند نیاز های عاطفی ارضا نشود، به احتمال فراوان در آینده ای نه چندان دور به طرق مختلف به اعمال ضد اجتماعی دست زند. عدم وجود محبت، ارتباطات صمیمی، تفاهم متقابل و در عین حال وجود تشنج در خانواده، ازهم گسیختگی خانواده، طلاق، فوت والدین و... از جمله عواملی هستند که در وقوع بزه توسط نوجوانان و اطفال موثر است. همچنین نحوه تنبیه والدین در مقابل سرپیچی های کودک و شلوغ کاری های وی نیز طبق بند ۱ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی و همچنین تبصره ۲ ماده ۴۹ باید همراه با دو شرط باشد. اولاً تادیب اطفال باید در حد متعارف باشد و ثانیاً این تنبیه باید ضرورت داشته باشد. در واقع این دو ماده به نوعی جنبه پیش گیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان دارند. متأسفانه در قوانین موضوعه ما مبنا و معیاری برای ضرورت تنبیه اطفال آورده نشده است و به نظر می رسد که این مساله توسط عرف جامعه تعیین می شود. بسیاری از فقیهان در مورد حد و میزانی که تنبیه ضرورت پیدا می کند، نظرات گوناگونی داده اند که خود جای بحث دارد و در این مجال نمی گنجد [5].

آیا بین سطح تحصیلات و فرهنگ پدر مادر و بزهکاری فرزندشان ارتباطی وجود دارد؟ دانشمندان با پژوهش های اجتماعی، وضع نابسامان محیط خانوادگی را در بروز جرائم تایید کرده اند و اذعان داشته اند که وضع خانوادگی شخص رابطه ی مستقیم با بروز حالت خطرناک و بزهکاری وی دارد. از نظر تحصیلات و مسائل فرهنگی، فرزندان خانواده های سطح پایین و متوسط به مراتب بیشتر از فرزندان خانواده های روشنفکر و سطح بالای جامعه در معرض ارتکاب جرائم مختلف هستند. [11] بنابراین نباید سیاست جنائی خاص بزهکاران صغیر و نوجوان را از سیاست حمایت خانواده جدا دانست. به عبارت دیگر حمایت درست از نهاد مقدس خانواده و نظارت اساسی و کارشناسانه بر آن سبب کاهش جرائم خاص صغار و نوجوانان خواهد شد محیط خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد می کند و هنجارها را می آموزد. علی رغم اینکه بسیاری از عوامل در وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان دخیل اند اما در گام نخست این خانواده ها هستند که نقش تعیین کننده ای در سرنوشت اطفال دارند. چنانکه با تربیت درست می توانند کودک را به راه صحیح هدایت



کنند و یا شرایط و محیط را برای تحقق بزهکاری توسط اطفال مهیا سازند. معمولا والدین اطفال یا نوجوانان بزهکاران نظر رفتاری یا بسیار خشن وسخت گیر هستند و یا نسبت به فرزند خود بسیار بی توجه و سهل انگار هستند. غالبا والدین این دسته از اطفال و نوجوانان در ارتباط برقرار کردن با فرزند خود دچار اشکال هستند و نمی توانند به درستی به تکالیف خود نسبت به فرزندشان عمل کنند [10].

#### ۴- نتیجه گیری

اهمیت دادن به مسئله ی بزهکاری به قدری مهم است که همه ی کشورهای جهان به آن توجهی خاص دارند. آمارهای منتشر شده حاکی از آن است که با وجود بهبود وضع زندگی از نظر معیشتی و خدمات بهداشتی در جهان میزان جرایم ارتكابی جوانان با سرعت بیشتری رو به افزایش است و در هر جامعه ای نیز نوع آن با جامعه دیگر فرق دارد؛ بزهکاری در اجتماع ابتدا دامن گیر گروه سنی نوجوانان و جوانان می شود. گروه های سنی مذکور به موجب آمار منتشر شده از طرف مقامات ذیصلاح بیشترین مرتکبین بزه های اجتماعی را تشکیل می دهند. یکی از عامل مؤثر که ممکن است در بزهکاری اطفال و نوجوانان مؤثر واقع شود، عامل اقتصادی است و جرم شناسان توجه خاصی بدان مبذول داشته و در اکثر تألیفات از این عامل مطالبی به رشته تحریر در آورده اند؛ بنابراین جرم شناسان در اصل موضوع که «عامل اقتصاد در بزهکاری مؤثر است» اتفاق نظر داشته و اگر اختلافی در پاره ای موارد به چشم می خورد ناشی از نحوه تأثیر جنبه های مختلف این عامل قوی است. نتایج مطالعه حاضر هم حاکی از آن است که عوامل اقتصادی، باعث افزایش بزهکاری در بین نوجوانان میشود. ممکن است وقوع بزهکاری اطفال و نوجوانان ناشی از عوامل اجتماعی باشد. چون در جرم شناسی بعضی از عوامل اجتماعی زیر عنوان محیط اجتماعی که قسمتی از عوامل اجتماعی است، مورد بررسی قرار می گیرد رد لذا در این خصوص نیز قس ز قسمتی از عوامل اجتماعی را تحت همین عنوان مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم. ن نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که عوامل اجتماعی باعث افزایش بزهکاری در بین نوجوانان می شود، مشکلاتی که دامنه آن در سرتاسر جامعه پهن می باشد؛ به عبارت دیگر با افزایش میزان نابسامانی خانواده، بزهکاری نوجوانان نیز شدت می یابد. بعد اجتماعی و اقتصادی در کنار هم نشان دهنده اهمیت ویژه این دو می باشد که عدم شرایط هریک برای خانواده ها مشکلات متعددی از قبل افزایش بزهکاران نوجوان را در جامعه پدید می آورد. خانواده از اهم عوامل مؤثر بر جامعه است؛ تا آنجایی که می توان گفت؛ هیچ جامعه ای نمی تواند به سلامت برسد مگر آنکه از خانواده هایی سالم برخوردار باشد.

نتایج این مطالعه هم نشان داد که عوامل خانوادگی بر بزهکاری نوجوانان تأثیر معناداری دارد. همچنین نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که میزان تحصیلات، نظارت خانواده و فضای فرهنگی با بزهکاری نوجوانان رابطه معکوس و معنی داری دارند. بدین ترتیب توجه به مقوله تحصیلات و تدریس نوجوانان و نظارت خانواده به رفتارها و معاشرتهای نوجوانان می تواند باعث کاهش بزهکاری در نوجوانان شود و همچنین ایجاد فضای فرهنگی در جامعه و سرگرم شدن نوجوانان با برنامه های علمی فرهنگی باعث کاهش بزهکاری در نوجوانان می شود.

#### ۴-۱- راهکارهایی برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان

روش های درمانی بسیار زیادی برای درمان و کاهش بزهکاری مورد استفاده قرار گرفته و اعتقاد عمومی بر این است که گسترش برنامه های اجتماعی نظیر گواهی پیش از ازدواج، تأسیس درمانگاه های ویژه زنان باردار و ایجاد زایشگاه ها و درمانگاه ها ویژه نوزادان، برقراری و کمک هزینه های خانوادگی و بالابردن سطح آموزش و پرورش، روان درمانی، خانواده درمانی، اصلاح رفتار، کارآموزی، تفریح و مطالعه کتاب و چندین عوامل دیگر، متناسب ترین راه برای پیشگیری از ارتكاب بزهکاری اطفال و نوجوانان است. برای ایجاد محیطی آرام و سالم در خانواده که خانواده از محیطی آرام و سالم برخوردار باشد، رعایت نکاتی ضروری است، برای مثال برقراری دوستی و تفاهم بین والدین، احتراز از رقابت در جلب محبت فرزندان، عدم ایجاد ناسازگاری در محیط خانواده، عدم پر خاشگری والدین نسبت به خود یا فرزندان، پرورش حس اعتماد به نفس و حفظ شخصیت فرزندان.

جوانان و نوجوانان دوست دارند شخصیت‌شان مورد توجه و احترام قرار گیرد و به همین سبب به صورت‌های مختلف به ابراز شخصیت می‌پردازند. اگر روزی کودک دست به خطا زد، سعی می‌کند آن را از دید دیگران پنهان کند تا خوار نشود، از این حیث شایسته است، اولاً از هر عملی که باعث خدشه‌دار کردن عزت و کرامت فرزندان می‌شود، اجتناب کنیم. اهانت، تحقیر، به‌کاربردن الفاظ طعن‌آلود و سرکوفت‌زدن عواملی هستند که باعث از میان رفتن احساس شخصیت در فرزندان می‌شود، ثانیاً برای اصلاح معایب فرزندان خود از روش‌های غیرمستقیم استفاده کنیم، ثالثاً اگر لازم شود که خطایی را بخواهیم به‌طور مستقیم یادآوری کنیم بهتر است این تذکر به‌صورت علنی و آشکار در حضور دیگران نباشد یا اگر فرزند خودش عذرخواهی کرد باید عذر او را به راحتی پذیرفت. به‌طور خلاصه والدین باید در رفتارهای خود چند نکته را رعایت کنند؛ نخست این‌که با کودک و نوجوان ارتباط گرم و عاطفی برقرار کنند، برای نوجوان ارزش قایل شوند و از به‌کار بردن صفاتی که بی‌ارزشی را القا می‌کند، پرهیز کنند. همچنین در حل مسائل به جای پرخاشگری برخورد منطقی داشته باشند تا برای نوجوان الگو شود. نوجوان را از توجه به لذت زودگذر مسخ کرده و نظر آنان را به لذات بلندمدت و منطقی جلب کنند. زمینه استفاده از تفریحات سالم و ارزش‌های مناسب را برای فرزندان خود فراهم کنند. از تنبیه نوجوان پرهیز و از پاداش‌های مناسب در مقابل رفتارهای مطلوب استفاده کنند. از تماشای فیلم‌های غیراخلاقی توسط کودکان و نوجوانان جلوگیری به عمل آورند.

در همین راستا، افزایش مراکز خدمات روان‌شناختی و مشاوره و ارتفاع سطح فرهنگی عمومی برای مراجعه به این‌گونه مراکز در همه مقاطع زندگی، مخصوصاً در دوران‌های بحرانی کمک مؤثری در جهت مصون نگه داشتن افراد در برابر ارتکاب بزهکاری و اعمال مجرمانه محسوب می‌شود.

## منابع

۱. روپیکر، محمدرضا. (۱۳۹۸). عوامل خطر آفرین در سطح خانواده
۲. محرمی، موسی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عامل محیط در بزهکاری
۳. خبرگزاری ایسنا. (۱۳۹۹). رابطه طلاق و بزهکاری اطفال و نوجوانان کد خبر ardabil-27108
۴. عظیمی، محمد. (۱۴۰۰). پایان نامه بررسی عوامل خانوادگی موثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان
۵. هاشمی، رامین. (۱۳۹۶). بررسی نقش عوامل خانوادگی و متغیرهای جمعیت‌شناختی در بروز بزهکاری نوجوانان
۶. ناصر، اسدزاده. (۱۳۹۷). آموزش خانواده و پیشگیری از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی
۷. جهانی جناقرد، میلاد. (۱۳۹۸). تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی خانواده در بزهکاری اطفال و نوجوانان
۸. توکلی، سمیه. (۱۳۹۵). تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی خانواده در بزهکاری اطفال و نوجوانان
۹. فاطمی، داوود. (۱۴۰۰). تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی خانواده در بزهکاری اطفال و نوجوانان
10. Groof, J. and C. Mouza. (2018) "A Framework for Addressing Challenges to Classroom Technology Use"; AACE Journal, Vol. 16, No. 1, PP.21
11. Jaschik, S. (2020). Educates constituent groups online and face to face discussions on topics of interest . Retrieved from <http://www.educause.edu>

# Examining the role of family factors on youth delinquency and suggested solutions

Parisa Izadi Khalegh Abadi

*Bachelor's student, Department of Social Science Education, Farhangian University, Iran*

---

## Abstract

The delinquency of children and adolescents is a concern that has always faced problems in the criminal and welfare systems of countries, and several factors are effective in its occurrence. Juvenile delinquency is: abandoning the legal duty and committing a wrongful act that is not necessarily a crime. One of the roots of this phenomenon should be looked for in the economic factor, it is obvious that in case of lack of financial ability, the education and upbringing of children will be damaged and disturbed and the causes of their delinquency will be provided. Inadequate income, unemployment, lack of family income to meet needs, and issues and problems caused by material shortages are among the issues that have always been raised in relation to delinquency and shown in statistics. In addition to poverty, excessive wealth can also be an effective factor in children's delinquency. Overall, the results of this study showed that family factors such as father's job, parents' education, father's being alive, parents' divorce, conflict and family discord, Misbehavior of parents, parenting style and birth order on the delinquency of children and adolescents. The youth is effective. Also, in socio-economic factors, the variables of residence, type of residential house, delinquent, association with delinquent friends, history of criminal conviction in the family, supervision of parents and society on the child, commanding good and forbidding evil are effective on delinquency of children and teenagers.

**Keywords:** Family factors, juvenile delinquents, family role

---